

شهید ابراهیم یزدان پرست



	نام پدر
۱۳۴۷	تاریخ تولد
بوشهر - دشتستان	محل تولد
۱۳۶۷/۰۳/۱۵	تاریخ شهادت
جبهه سومار	محل شهادت
	مسئولیت
سرباز نزا جا	نوع عضویت
سرباز	شغل
سوم راهنمایی	تحصیلات
	مدفن

زندگینامه

خدا تو را بپذیرفت

شهید ابراهیم یزدان پرست در دهم مهرماه ۱۳۴۷ در خانواده ای مسلمان و مذهبی و محروم از تسهیلات زندگی ولی با وقار و متعهد به دین مبین اسلام، در روستای نظر آقا دیده به جهان گشود و دوران کودکی را در دامان مادری مؤمن و پدری خدا شناس پرورش یافت. تا اینکه در سن شش سالگی در دبستان رودکی نظر آقا جهت فراگیری علم و دانش ثبت نام کرد و مراحل آموزش ابتدایی را در همان آموزشگاه با موفقیت به پایان رسانید. ایشان سپس برای ادامه ی تحصیل در مدرسه راهنمایی همان روستا ثبت نام و سال را با موفقیت سپری نمود. از آنجا که فقر مادی بر آن خانواده بنحو چشم گیری حاکم بود، خانواده اش به امید کسب امرار معاش بهتر، شبانکاره را که زادگاه مادرش می باشد انتخاب و سال دوم راهنمایی را در مدرسه امیر کبیر پشت سر گذاشت.

ولی از آنجا که حوادث روزگار گام به گام پشت سر بد می آمد، پدر شهید دچار حادثه ی تصادف گردید و این تصادف منجر به معلولیت ایشان شد. شهید از آنجا که حس مسئولیت را در خانواده به خوبی درک می نمود کسب هزینه زندگی را مقدم بر تحصیل دانسته، و جهت تأمین معاش زندگی خانواده اش ترک تحصیل نمود و توانست تا حدی بر مشکلات زندگی فائق گردد. ولی وابستگی به مادیات و دنیای فانی نتوانست روح با عظمت او را آرام نماید. در درونش غوغایی بر پا بود. نمی توانست خود را قانع کند که در محیط محدود و کوچک روستا زندگی نموده و با مسائل مادی سرو کار داشته باشد. لذا در تاریخ ۱۸/۵/۶۶ به خدمت مقدس سربازی اعزام و به انجام وظایف محوله مشغول گردید تا اینکه در عملیات پیروزمندانه والفجر ۱۰، پس از دلاوری های بسیار به درجه رفیع شهادت نایل گردید. مدتی جسم پاک و مطهرش در بیابان های منطقه نبرد و دور از چشم یاران و برادران روی خاک گرم افتاده بود. در تاریخ ۱۵/۳/۶۷ جسد شهید توسط برادران همزمش پیدا و در تاریخ ۲۳/۳/۶۷ با حضور امت حزب ا و ایثار گر تشییع و در گلزار شهدای شبانکاره به خاک سپرده شد.

پدر شهید: پدر شهید حسین یزدان پرست متولد نظر آقا می باشد وی انسانی صبور با تقوا و مهربان می باشد.

ای شهیدان همیشه سربلند

ای بلندای دماوند و سهند

ای حماسه آفرینان جنوب

خیس خورده زیر باران جنوب

ای ستمگر از شما رسوا شده

قطره های رفته و دریا شده

جز رضایش نیست در اندیشه ام

پای بر جا مانده از او ریشه ام
باز هم شب زنده داری زنده شد
چشمه خونرنگ یاری زنده شد
پاس می داریم , یاد جبهه ها
یاد مردانی پر از نور خدا
ای نماز و عشق و عرفان همه
آدم لب تشنه از آن علقمه !
آدم با لحظه های پر ز داغ
آدم تا پر گنم داغی , زباغ
آدم با کاروان لاله ها
در پی آتشفشان لاله ها
آدم با کوله بار درد و رنج
آدم با ((کربلای چار و پنج))
آدم با عشق , یک دنیا امید
آدم بر ضد یاران یزید
باز عشق آمد , زمان آشتی است
قلب من در کاروان آشتی است
ای شما یان اشک عرفان ریخته
عشق را با خون خود آمیخته
در دل ما یاد جبهه زنده است
ماه عرفان باز هم تابنده است

ای بسیجی ها , علمداران جنگ!

دستہاتان مانده در یاد تفنگ

ما که فرزندان دین احمدیم

سرخوش از صہیای طوفان آمدیم

عاشقان نہضت مولا شدیم

قطرہ بودیم و شبی دریا شد



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران